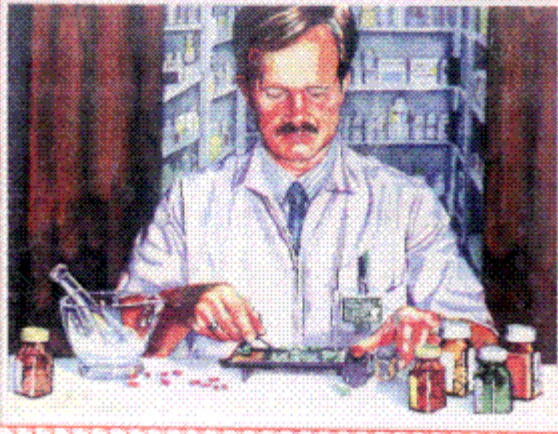




کتاب مقدس

دربارهٔ شیفا

چه می‌گوید؟



نوشتۀ: هرب وندِرلوگت
ترجمۀ: میشل آقامالیان

کتاب مقدس درباره شفا چه می‌گوید؟

آیا خدا از بیماری استفاده می‌کند تا شخصیت فرزندانش را بسازد؟ آیا می‌توان از خدایی پُر مهر و محبت انتظار چنین عملی را داشت؟ آیا علت بیمار بودن ما این است که ایمان نداریم شفا خواهیم یافت؟ آیا امروزه خدا از طریق خدمات شفاگران، مردم را شفا می‌دهد؟ هنگامی که رنج و بیماری به ما یا یکی از نزده‌یگامان هجوم می‌آورد، طرز فکر ما چه باید باشد؟ باید چکار کنیم؟

به این سؤالات و بسیاری سؤالات دیگر نظیر اینها «هرب و ندر لوگت» (Herb Vander Lugt) در این کتابچه پاسخ گفته است. وی روشن می‌سازد که کتاب مقدس درباره شفا چه می‌گوید؟ و به ذکر چهار حقیقت اطمینان بخش، مثبت و قطعی می‌پردازد که همه فرزندان خدا در زمان بیماری و رنج کشیدن می‌توانند روی آنها حساب کنند.

مارتین ر. دو هان

کتاب مقدس درباره شفا چه می‌گوید؟

نویسنده: **هرب و ندر لوگت**

مترجم: **میشل آقامالیان**

کلیسای انجیلی آشوری تهران

بهار ۱۳۷۷

شماره ۱۳۸۰

تکثیر محدود - مخصوص مسیحیان

مسأله رنج

وقتی می‌خواستیم به آن مرد کمک کنیم، با عصبانیت با من برخورد کرد. به علت ابتلا به سرطان ریه با مرگ فاصله‌های نداشت و از قاتش کاملاً تلخ بود. به من گفت دوست ندارم درباره خدایی با او صحبت شود که اجازه می‌دهد انسانها این طور رنج بکشند. می‌گفت: «واز وقتی که شاهد بودم مادرم به علت ابتلا به همین بیماری در حال جان دادن بود، با کتاب مقدس و ایمان مسیحی مخالف شدم. مادرم مسیحی بسیار مؤمنی بود و با اینکه دعا می‌کرد خدا یا او را شفا بدهد و یا او را به سوی ابدی ببرد، ماه به ماه وضع بدتری پیدا می‌کرد. من از همان زمان پیش خودم فکر کردم که یا خدایی وجود ندارد و یا اگر هم وجود دارد آن خدایی که شما فکر می‌کنید، نیست.»

عده بسیاری به خاطر مسأله رنج از خدا روگردان می‌شوند.

درد این مرد را کاملاً احساس می‌کردم اما هیچ کدام از حرفهایم کوچکترین تأثیری بر روی او نداشت. در آخر از او سؤال کردم: «آیا مادرت هم به خدا پشت کرده؟» جواب داد: «نه. او باز هم از فیض خدا و رفتن به نزد عیسی و ماندن در کنار او حرف می‌زد.» بعد بسرعت اضافه کرد: «اما من ایمان مادرم را ندارم.»

شکی نیست که عده بسیاری به خاطر مسأله رنج از خدا روگردان می‌شوند. آنها نمی‌توانند قبول کنند که خدای پُر از مهر

فهرست	صفحه
مسأله رنج	۳
مسیحیان موافق و مخالف حقایق اطمینان بخش کتاب مقدس	۵
برای مقدسینی که رنج می‌کشند	۹
خدا شما را شفا خواهد داد	۱۱
وقتی شما رنج می‌کشید خدا هم رنج می‌کشد	۱۵
خدا می‌داند که علت رنج شما چیست	۱۹
خدا بر همه امور حاکم است	۲۳
اشخاص بیمار و رنج کشیده در کتاب مقدس	۲۶
سؤالاتی درباره شفا	۲۹
آیا خدا می‌خواهد که ما سلامت باشیم؟	۴۳
بیماری، شفا و شما	۴۶

ما به عنوان مسیحی قبول داریم که خدا، پُر از مهر و محبت، حکیم و قادر مطلق است. قبول داریم که این خدای نیکو به آن دسته از مخلوقاتش که دارای حس تمییز اخلاقی هستند، قدرت انتخاب بین خوب و بد را عطا فرموده است و انتخاب خلط آنها باعث می‌شود که لعنت خدا متوجه زمین شود. همچنین قبول داریم که این خدای بی‌نهایت حکیم و نیکو، برنامه‌ای برای خیریت نهایی ما و جلال خود دارد و مطابق آن عمل می‌فرماید. با وجود این، حتی در میان ما که به کتاب مقدس ایمان داریم اختلاف نظرهایی وجود دارد. ما به دو سؤال بسیار مهم جوابهای متفاوتی می‌دهیم که یکی از این دو سؤال مربوط است به هدف ربیع کشیدن و دومی به موضوع وجود شمای ماوراءالطبیعی.

آیا خدا از بیماری استفاده می‌کند تا انسانهای خوب را بهتر گرداند؟ «کن بلو» (Ken Blue) که یک مسیحی انجیلی است و خدمات بسیار خوبی در ویتکورور کاتادا انجام می‌دهد، پاسخش به این سؤال منفی است. او می‌نویسد:

به آنچه که ما در خانواده انسانی خود آن را زجر می‌نامیم، بعضی در خانواده الهی یا کلیسا برچسب برکت زده‌اند. «فرانسیمس مک نات» (Francis McNutt) توضیح می‌دهد: «کدام پدر و مادری می‌خواهند دخترشان به سرطان مبتلا شود تا تکثیرش از بین برود؟» ... یکی از بزرگترین مواعی که این روزها نمی‌گذارد در کلیسا خدمت مؤثری در زمینه شفا وجود داشته باشد این است که تصور می‌شود بیماری اساساً برای ما خوب است و فرستاده شده تا

۵

آیا امروز هم خدا برای شفا بخشیدن، معجزات آشکاری به عمل می‌آورد؟ دکتر «ویلیام نولند» (Dr. William Noland) پس از یک دوره تحقیقات پی‌گیر اظهار داشت که هیچ مدرکی دال بر اینکه خدا امروز هم شفاهای معجزه‌آسا انجام می‌دهد یا به کسی عطای انجام چنین کاری را بخشیده نیافته است. او می‌نویسد:

در سال قبل جستجو برای یافتن یک مورد معجزه شفا را شروع کردم. وقتی تحقیق خود را شروع کردم امیدوار بودم مدرکی پیدا کنم که نشان بدهد شخصی در جایی قدرتهای ماوراءالطبیعی دارد که با استفاده از آنها بیمارانی را که ما پزشکان با وجود همه دانش و آموخته‌های خود «لامعالج» می‌دانیم، شفا می‌دهد. همانطور که قبلاً گفتم، ترانسم چندین شفا دهنده‌ای را بیابم (شفا: یک پزشک در جستجوی یک معجزه، فلیت، ۱۹۶۷، ص. ۲۷۲).

خدا بطرز بی‌معجزه آما شفا می‌بخشد -
اما همیشه اینکار را نمی‌کند
و موقعی که چنین نمی‌کند
باید خود را سرزنش کنیم
و یا مایوس شویم.

اما دکتر جی. سیدلو باکستر (Dr. J. Sidlow Baxter) که از علمین مشهور کتاب مقدس است، به سؤال ما جواب مثبت می‌دهد و می‌نویسد:

چه کسی می‌تواند منکر شفاهای معجزه‌آسا و

۷

و محبت و قادر مطلق اجازه بدهد انسانهای خوب اینطور رنج بکشند. از طرف دیگر هزاران نفر شهادت می‌دهند که در زمان غم و اندوه شدید بوده که بیش از هر زمان دیگری متوجه عظمت و حقیقی بودن خدا شده‌اند.

۴

روح ما را پاک و شخصیت ما را بنا کند.

(از کتاب «اقتدار برای شفا»، صص. ۲۱ و ۲۲)
از طرف دیگر «دکتر م. ر. دو هان» (Dr. M. R. De Haan) پزشک، کشیش و بنیانگذار خدمات راه‌بویی کتاب مقدس (RBC) می‌گوید که خدا در زندگی فرزندان از بیماری استفاده می‌کند تا آنها را اقراء بهتری بسازد. او می‌نویسد:

بزرگترین موعظاتی که من تا به حال شنیده‌ام، از منبر موعظه نشده‌اند بلکه از بستر بیماری. بزرگترین و عمیق‌ترین حقایق کلام خدا غالباً توسط اقراء فروتنی مکشوف گردیده است که در کلاسهای ربیع و مشقت شرکت کرده‌اند و شخصاً به حقایق عینی دربارهٔ اِلهای خدا پی برده‌اند.

آیا شما، ای فرزند گرانهای خدا، ربیع می‌برید و عذاب می‌کشید یا به خاطر داشته باشید که پدر شما هنوز هم کاملاً می‌داند که چه می‌کند ... انگور باید له شود تا شراب به دست آید. تا سیمهای ویولن طوری کشیده نشود که از شدت کشیدگی به صدا درآید، موسیقی پدید نخواهد آمد. گندم باید آسیاب شود تا نان به دست آید. ممکن است تفهیم که خدا هم اکنون چه می‌کند اما یک روز خواهیم فهمید و مثل او خواهیم شده (شکستها، استشارات خانهٔ اکتشاف، ۱۹۸۸، صص. ۲۲ و ۹۱).

انگور باید له شود تا شراب به دست آید.
گندم باید آسیاب شود تا نان پویا شود.

۶

حقایق اطمینان بخش کتاب مقدس برای مقدسیلی که رنج می‌کشد

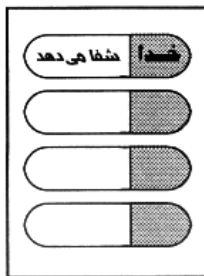
او پرستار بود و اطمینان داشت که آنچه درباره بیماری خود حدس می‌زده، درست است. با این حال وقتی دکتر بیمارستان وارد اتاق شد و گفت: «خاتم سوس، متأسفانه باید بگویم که درست حدس زده بودید. شما مبتلا به MS هستید، رنگش سفید شد. می‌دانست که چه چیزهایی در انتظارش بود. فلج شدن تدریجی، مشکلات تکلیفی، تار شدن قوه دید، انقباضهای متناوب عضلانی و احتمالاً دردهای شدید و مکرر. دورنمای خوبی نبود. وقتی دکتر رفت، او و شوهرش گریه کردند، اما طولی نکشید که آرام شدند. دعا کردند و با یکدیگر حرف زدند و ایمان خود را اقرار نمودند. در نتیجه، حضور روح القدس را احساس کرده قدرت یافتند تا در این وضعیت به زندگی خود ادامه بدهند. اکنون که پانزده سال از آن تاریخ گذشته است هنوز در وضعیت خوبی هستند و پیشرفت بیماری از آنچه انتظارش می‌رفت، کندتر صورت گرفته است.

عناصر اصلی این داستان همیشه اتفاق می‌افتند. هیچ خانواده‌ای نمی‌تواند از گزند بیماری، کاملاً مصون بماند. حتی از کسانی که بسیار هبندار هستند هده بسیار کمی تا سنین پیری از سلامت کامل برخوردار می‌شوند و بی آنکه بیمار شده باشند، رخت از این جهان برمی‌بندند. بیماری نمی‌گذارد همه مردم به همین شکل، دارقانی را وداع گویند. به همین دلیل لازم است بدائیم که کتاب مقدس درباره بیماری و شفا چه تعلیمی می‌دهد. با بررسی تعالیم کتاب مقدس درباره این موضوع متوجه می‌شویم

حیرت‌انگیزی شده که این روزها در جلسات عمومی بزرگ شفا روی می‌دهد؟ فقط کسانی منکر این واقعیت هستند که در این جلسات حضور نداشته و ندیده‌اند که چه شده است. با دیدگان بهت‌زده خواه شاهد بودام که زبان لال مادرزاد باز شده و ناشنوای کامل قدرت شنوایی یافته و تساینایی که مدتهای مدید تایننا بوده است به یکباره بینا شده و سرطان لاعلاج درمان گردیده است (و این شفا را معاینات پزشکی تأیید نموده‌اند). به علاوه دیده‌ام که مبتلایان به التهاب مفاصل که فلج بودند به یکباره شفا یافته و ایستادند. قربانیان بیماری MS که روی صندلی چرخدار سوار بودند بعد از شفا، خودشان صندلی خود را با خود می‌برند و بسیاری شفاهای حیرت‌انگیز از این قبیل اتفاق می‌افتد» (شفای الهی بدن، انتشارات زاندروان، ۱۹۷۹، ص. ۲۷۰). ما به هر دوی این سؤالا می‌توانیم با قاطعیت جواب مثبت بدهیم. خدا از رنج کشیدن برای رشد روحانی استفاده می‌کند. به علاوه بطریقی معجزه‌آسا شفا می‌بخشد، اما اینکار را همیشه انجام نمی‌دهد و موقی که خدا چنین نمی‌کند نباید خود را سرزنش کنیم یا مایوس شویم.

۹

۸



حقیقت اول:

خدا شفا خواهد داد

اگر مریض هستید و رنج می‌کشید می‌توانید به این حقیقت ایمان داشته باشید که دیر یا زود خدا شما را شفا خواهد داد. شاید شما را بر روی زمین شفا بخشد، اما اگر اینطور نشد در آسمان

صد درصد این امر تحقق خواهد یافت. خدا این را ضمانت کرده است. قرار است ما که فرزندان خدا هستیم بدنی جدید و جلال یافته داشته باشیم و تا ابد در آسمان زندگی کنیم. انتظار پولس برای قیامت مردگان و جلال ابدی باعث می‌شد تا تسلی عظیمی پیدا کند. پولس بعد از اینکه در اول قرن‌تین باب پانزدهم دوباره صحت قیام مسیح را تأیید می‌کند، این موضوع را مطرح می‌سازد که ما هم بدنهایی قیام کرده که مانند بدن مسیح است، خواهیم داشت (آیات ۲۰-۵۸). این حقیقت باعث می‌شد که وقتی پولس در خدمت به خداوند چهار رنج و مشقت می‌گردید، استوار بماند. پولس رسول با شادی و دید مثبت می‌نویسد:

«از این جهت خسته نمی‌شویم بلکه هر چند انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود، لیکن باطن روز به روز تازه می‌گردد. زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و

که کلام خدا چهار حقیقت کاملاً قطعی و مثبت را در این مورد مکشوف می‌سازد که هر یک از فرزندان خدا در زمان بیماری و رنج کشیدن می‌توانند روی این حقایق حساب کنند. حقایق فوق عبارتند از: ۱- خدا شما را شفا خواهد داد. ۲- وقتی شما رنج می‌برید خدا هم رنج می‌کشد. ۳- خدا می‌داند که علت رنج شما چیست. ۴- خدا بر همه امور حاکم است.

۱۱

۱۰

زیاده پیدا می‌کند. در حالی که ما نظر نمی‌کنیم به چیزهای دیدنی بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است زمانی است و نادیدنی جاودانی؛ (دوم قرنتیان ۴:۱۶ - ۵:۱).

ممکن است شنیدن این آیات چندان هم شما را خوشحال نسازد. شما شفا را در همین جا و همین حالا می‌خواهید. احساساتان غیرعادی نیست، زیرا رنج کشیدن چیز خوشایندی نمی‌باشد. ما بطور غریزی به سلامت و خلاصی از دره تمایل داریم و طبیعتاً می‌خواهیم همین حالا از دره‌های خود خلاص شویم. اگر به خودمان اجازه دهیم که اینطور فکر کنیم، در این صورت به زندگی از دید کسانی نگاه خواهیم کرد که حقیقتاً امیدوی به وجوه بهشت ندارند و به ما می‌گویند انسان تا می‌تواند باید از لذت‌های دنیوی تمتع جوید، زیرا «هر انسانی فقط یک بار متولد می‌شود».

این دیدگاه کاملاً غلط می‌باشد! کسانی که به مسیح ایمان دارند باید بالاتر از این سطحی که صرفاً پشروی است زندگی کنند. باید به این حقیقت کاملاً توجه داشته باشیم که زندگی دنیوی ما حتی در بهترین حالت هم باز حیاتی است زودگذر و چیزهایی که در این زندگی وجود دارند همیشه فاسد کمال می‌باشند. ما خواننده شده‌ایم که مطابق ایمان خود عمل کنیم و نگاه خود را به آنچه در ورای زندگی زمینی و فعلی ما وجود دارد، متوجه سازیم. ما تا ابد در دنیای جدید و حیرت‌انگیزی زندگی خواهیم کرد! اگر واقعاً این حقیقت را درک نماییم می‌توانیم با مسائل همان طرز برخورد پیروزمندانه‌ای را داشته باشیم که پولس در دوم قرنتیان باب چهارم بیان می‌کند. آن وقت

۱۲

را به دیدگاهی داده است که در آن نور زندگی برای هدفی ابدی می‌درخشد. اکنون او «شفاگر مجروحی» است که دیگران را به همان طریق که خود تسلی یافته، تسلی می‌دهد (خدا منصف نیست، انتشارات حیات حاضر، ص. ۱۱۰).

شکی نیست که اگر چه برایان از نظر جسمی شفا نیافته، حضور الهی را تجربه کرده است. او می‌داند که جزئی از خانواده بزرگ مقدسینی است که در گذشته رنج کشیده و رفته‌اند (عبرانیان ۱۱:۳۰ - ۱۲:۴). این امر باعث دلگرمی اوست و اشتیاق دیدن روزی را در او پدید می‌آورد که کاملاً شفا یافته و در کنار این مقدسین قرار گرفته باشد.

۱۴

با شادی در انتظار حقایق نادیده و ابدی آسمانی خواهیم بود و در واقع در آن زمان است که «به امید جلال خدا فخر می‌نماییم» (رومیان ۵:۲).

«جوئل ای. فریمن» (Joel A. Freeman) داستان زندگی شخصی را ذکر می‌کند که یاد گرفته است مطابق حقیقت فوق زندگی کند. او می‌نویسد: «برایان این اصل را درک می‌کند. او با تحمل زحمات، این اصل را آموخته است. برایان ۱۸ ساله وقتی می‌خواهد با من شوخی کند از چشم‌هایش این را می‌توان فهمید. برای شوخی با صندلی چرخدار برقی و مجهزش از روی پای من عبور می‌کند. (تلفظاً به من یادآوری کنید بار دیگر که او را ملاقات می‌کنم چکمه‌های فلزی خود را بپوشم).

«چهار سال قبل برایان با سرعت ۱۰ کیلومتر در ساعت دوچرخه سواری می‌کرد که راننده متنی از خط میلی راه خارج شد و با دوچرخه برایان برخورد کرد. برایان در حدود ۲۰ متر بر روی زمین کشیده شد و پرت گردید. وقتی پس از ۵ روز بعد از واقعه فوق به هوش آمد، اولین چیزی را حس کرد دست مهربان پرستاری بود که بر پیشانی او قرار داشت.

«برایان که پایین تنه‌اش فلج است با احساسی ترخم نسبت به خود مبارزه نموده و با زمزمه فریبنده خودکشی دست و پنجه نرم کرده است. می‌خواهد بداند نتیجه این مبارزه چه بود؟ برایان پیروزی بزرگی کسب کرده زیرا پذیرفته است که خدا بر این وضع، حاکمیت مطلق دارد.

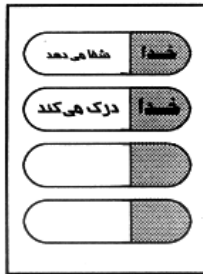
«وضعیت جسمانی برایان اندکی بهبود یافته اما طرز برخورد او با مسائل به اندازه ۱۸۰ درجه تغییر پیدا کرده است. در زندگی او کشمکش‌های مداوم که همراه با خشم و ناامیدی بود جای خود

۱۳

حقیقت دوم:

وقتی رنج می‌کشید خدا هم رنج می‌کشد

اگر شما ایستادگی هستید که از بیماری رنج می‌برید، دومین حقیقت اطمینان‌بخش کتاب مقدس که می‌توانید از آن قدرت زیادی کسب کنید این است که خدا با شما رنج می‌کشد. وقتی شما رنج



می‌برید او هم رنج می‌برد. او «محرک نامتحرک» فلسفه یونانی نیست. او وجودی بی‌احساس نیست که نسبت به درد کشیدن مخلوقاتش بی‌اعتنا باشد. او خدای دمدمی مزاج برخی از مذاهب نیست که اراده خود را بدون هیچگونه احساس نسبت به کسانی که رنج می‌کشند اجرا می‌کند. برعکس، او پدر آسمانی پُر از مهر و محبت ما است. مزمور نویس می‌گوید: «چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤوف است، همچنان خداوند بر ترسندگان خود رؤفت می‌نماید. زیرا جیلت ما را می‌داند و یاد می‌دارد که ما خاک هستیم» (مزمور ۱۰۳:۱۴-۱۳).

اشعیای نبی رفتار خدا با بنی اسرائیل را به یاد آورده می‌نویسد: «او در همه تنگی‌های ایشان به تنگ آورده شد... در محبت و حلم خود ایشان را قدیه داده (اشعیای ۶۳:۹). اتیسیا عهد عتیق تصویری را که مکرراً از خدا ترسیم می‌کنند این است که خدا از برکت دادن فرزندان لذت می‌برد و وقتی آنها باید رنج

۱۵

بکشند، محزون می‌شود.

با این حال، این حقیقت که وقتی ما رنج می‌کشیم خدا هم رنج می‌کشد فقط در شخص عیسی مسیح کاملاً مکتشف گردید. او همان‌طور یعنی «خدا با ما» (اشعیا ۴۳:۷) می‌باشد. مسیح که اکتوم دوم تثلیث اقدس است، عضوی از جامعه بشری گردید. او از هر آنچه ما ممکن است رنج بکشیم، رنج کشید. در طویلۀ متولد شد و عضو خانواده فقیری گردید. در خانه محطری که در دهکده کوچکی واقع بود، بزرگ شد. تا سی سالگی کارگری می‌کرد. در عرض سه سال خدمت خود، خانه‌ای نداشت. رفتار برادران ناتنی با او، باعث رنجش او می‌شد. یهودیان که به نزد آنها فرستاده شده بود، او را رد کردند. مقصودش را درست نفهمیدند و شخصیتی غیر از آنکه واقعاً بود، از او ارائه کردند. مورد تمسخر واقع شد. او را بی‌جهت محکوم کردند. دوست نزدیکی به او خیانت کرد. صمیمی‌ترین دوستانش او را ترک کردند. شلاق خورد. وادار شد صلیب چوبی سنگینی را بر پشت مجروح خود حمل کند. بر صلیب میخکوب شد. حتی زمانی هم که روی صلیب بود، مجبور شد طعنه و تمسخر استهزاکنندگان خود را تحمل نماید. چرا این کارها را کرد؟ آیا نمی‌توانست بدون این که این همه تحقیر شود و مورد خفوتن قرار گیرد، جریمه گناهان ما را بپردازد؟ تا آنجایی که ما می‌دانیم پاسخ این سؤال مثبت است زیرا مرگ او بر روی صلیب و برای کفاره گناهان ما کافی بود و دیگر لزومی نداشت قبل از مصلوب شدن در جلجتا، اینهمه رنج و عذاب را تحمل کند. به نظر می‌رسد که مسیح تمام این درد و تحقیر را به دو دلیل تحمل فرمود. اول این که قلب خدا را مکتشف بسازد (دوم قرنتیان ۴:۶) و بعد هم اینکه کاهن اعظم ما

گردد و با ما همدردی نماید (عبرانیان ۲:۱۵-۱۶). خدا همیشه در رنج قوم خویش شریک شده است. اما اینکار را از طریق تجسم یعنی همان انتقالی که در بیت‌لحم به وقوع پیوست، بطریقی واقعی و ملموس انجام داد.

این حقیقت که وقتی ما رنج می‌کشیم خدا هم رنج می‌کشد، فقط در شخص عیسی مکتشف کاملاً مکتشف گردید.

آیا رنج می‌کشید؟ آیا غمگین هستید؟ آیا از اینکه قبل از تحقق تشریفات و آرزوهایتان رخت از جهان برخواهید بست ناامید و دلسرد هستید؟ مطمئن باشید که وضع شما برای خدا مهم است. او با شما رنج می‌کشد و تمی خواهد بیش از این رنج بکشید. او می‌تواند مداخله کند و به یکباره شما را شفا دهد. اما اگر او این کار را برای شما و هر شخصی که رنج می‌کشد انجام می‌دهد، آن وقت هیچکس به آن نوع ایمانی که شخصیت مسیحی را می‌سازد، احتیاج نمی‌داشت. به همین دلیل اجازه می‌دهد که شما رنج بکشید. اما در تمام این مدت، او هم مانند شما منتظر زمانی است که تمام درد بشر از بین برود.

چی. آی. پاکر (J. I. Packer) این حقیقت را با شیوایی خاصی بیان کرده است:

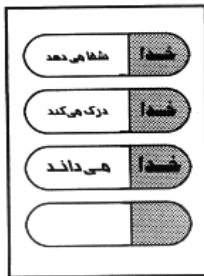
«محبت خدا نسبت به گناهکاران مستلزم این است که احتیاجات آنها را احتیاجات خود بدانند. چنین کاری هم مستلزم محبت کامل می‌باشد زیرا در واقع محکی است که

تعیین می‌کند محبت اصیل است یا نه ... بی‌جهت نیست که کتاب مقدس غالباً خدا را پدری ژر مهر و محبت و شوهر قوم خود معرفی می‌نماید. نتیجه چنین روابطی نیز این است که شادی خدا تا وقتی تمام عزیزانش در نهایت از مشکلات خلاصی نیابند تکمیل نخواهد شد ... در واقع او مقرر فرموده که از این پس تا به ابد شادی او مشروط به شادی ما باشد. بنابراین خدا نه فقط ما را برای جلال خود که برای شادی خود نیز نجات داده است» (شناختن خدا، انتشارات بین‌دانشگاهی، ۱۹۷۳، ص. ۱۱۳).

درست همانطور که یک شوهر خوب موافقی که می‌بیند همسرش درده می‌کشد، رنج می‌برد و والدین پسر محبت عذاب فرزندان خود را احساس می‌کنند، خدا هم وقتی شما رنج می‌کشید، رنج می‌کشد. و تا شما از درد و رنج خلاص نشوید خوشی او کامل نخواهد شد.

حقیقت سوم:
خدا می‌داند که عذاب رنج شما چیست

این سومین حقیقت اطمینان بخش و تسلی دهنده است. وقتی رنج می‌کشیم می‌خواهیم علت آن را بفهمیم. فریاد می‌کشیم «چرا!» بله، حتی خادمین مخصوص خدا هم وقتی با درد و غم روبرو



می‌شوند، این سؤال برای آنها مطرح می‌شود. خادم خوبی این اواخر متوجه شد که سرطان دارد و از روش‌های خدا ناراحت شد. به دوستی گفت: «منی توانم بفهمم که چرا خدا اجازه داد این اتفاق برای من بیفتد. من وفادارانه به او خدمت کرده‌ام. گناهی مخفی را در وجود خود پرورش ندهادم. از بدن خود مواظبت کرده‌ام. غذاهای سالم می‌خورم. شیرینی و قهوه مصرف نمی‌کنم. وزن بدم را کنترل می‌کنم. فکر نمی‌کنم مستحق این بیماری باشم.» شکایات او ما را به یاد شکایات‌های ایوب می‌اندازد که تقریباً چهار هزار سال قبل مطرح شد. ایوب مصوباً شانزده بار کلمه «چرا» را با ناراحتی به کار می‌برد. حتی دوازده مورد از رفتارهای خود را مطرح می‌سازد که نشان می‌دهد شخصی با اخلاق، درستکار، مهربان و با محبت است (ایوب ۱:۱-۱۲). اما خدا هیچوقت به سوالات ایوب پاسخ نداد. همینطور هم به سؤالی که این دوست خادم ما مطرح نموده جواب نداد. با این حال

خدا کار بهتری انجام داد. او به آنها اطمینان بخشید که علت را می‌دانند و برای این کار به آنها حکمت و قدرت عظیم خود را یادآوری کرده که آن را در خلق جهان به کار برده است. بعلاوه هر دوی آنها را به جایی رساند که تأیید کردند طرق‌های او در حکمت و نیکی‌های کامل است.

گاهی وقتها می‌توانیم جوابی برای این چرا پیدا کنیم. خوب است که همیشه لیب خود را تقویت کنیم تا بینیم که آیا علتی برای درد و رنج خود می‌یابیم. ممکن است به این علت بیمار شده باشیم که از قواعد عقل سلیم در مورد سلامت سرپیچی کرده‌ایم. ممکن است تصادفی که به ما لطمه زده نتیجه بی‌احتیاطی خودمان بوده باشد. همچنین امکان دارد علت بیماری ما این باشد که خدا به علت وجود گناه در زندگیمان، ما را تنبیه می‌نماید (اول فرشتگان ۲۹:۱۱-۳۰؛ عبرانیان ۱۲:۱۶). کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که برخی مسیحیان به علت گناه چهار سرگ زودرس (به قول مردم) می‌شوند (اعمال ۱۵: ۱-۱۶؛ اول فرشتگان ۱۱: ۴۰). اگر می‌دانیم که در بی‌اطاعتی زندگی می‌کنیم، باید توبه نماییم. ممکن است وقتی توبه کردیم خدا شفا عطا کند. هنگامی که شاهد مرگ ایمان‌داری درست داشتی می‌شویم که به راه‌های گناه آلوده کشیده شده است. می‌توانیم از اطمینان به این امر تسلی پیدا کنیم که خدا گاهی وقتها یکی از فرزندان خود را به خانه باز می‌گرداند تا بیش از این در آن جریان مغزوب پیش نرود.

با این همه، غالباً نمی‌توانیم پاسخ‌های خاصی برای سوالات خود پیدا کنیم. همیشه نمی‌توانیم توجع داشته باشیم که علت رنج کشیدن خود را بفهمیم. اما حتی در این صورت هم خدا ما را کاملاً در ابهام رها نمی‌کند. علاوه بر این که او به ما اطمینان می‌بخشد

که علت رنج کشیدن ما را می‌داند، به ما نشان داده است که حتی زمانی که نمی‌دانیم چرا رنج می‌کشیم، رنج کشیدن ما هدف ارزشمندی دارد.

در یوحنا باب نهم، عیسی در ملاقات خود با یک مرد نابینا این درس را به شاگردانش تعلیم داد. شاگردان از او سؤال کردند: «ای استاد گناه که کرده این شخص یا والدین او که کور زاییده شده (آیه ۲)». معلوم است که آنها مشتقی را که دانشگر آن مرده شده بود مجازات گناهی می‌دانستند که یا والدین او مرتکب شده بودند یا خود او در رحم مادر مرتکب شده بود. عیسی به او پاسخ داد: «گناه نه این شخص کرد و نه پدر و مادرش؛ بلکه تا اعمال خدا در وی ظاهر شده (آیه ۳)». رنج و مشقت این شخص، مجازات به خاطر وجود گناه خصوصی نبود. اما ارزش داشت. برای این به وجود آمده بود تا صحنه نمایشی کرده که بر روی آن قدرت خدا نمایش داده شود. عیسی پس از اینکه این نکته را روشن کرد، فرمود: «عالمی که روز است، مرا باید به کارهای فرستنده خود مشغول باشم. شب می‌آید که در آن هیچکس نمی‌تواند کاری کند» (آیه ۴). سپس آن مرد را بینا ساخت.

در اینجا تکلیف ما روشن می‌شود. به جای اینکه نیروی خود را با حدس و گمان‌های بی‌فایده در مورد پاسخ سؤال خود به هدر بدهیم، بیایید رنج کشیدن خود یا دیگران را فرصتی بدانیم که موجب می‌شود قدرت خدا را نشان بدهیم و باعث جلال او بشویم. شاید خدا به دهای ما پاسخ گوید و ما را شفا بخشد. شاید از رنج کشیدن شخصی که دوستش داریم استفاده کند تا ما را دلسوزتر، مهربان‌تر و مفیدتر بسازد. و یا ممکن است اجازه بدهد که رنج بکشیم اما فیضی ماوراءالطبیعی به ما عطا فرماید که

شاهدی قوی برای جلال او شویم. در واقع، خدا برای اینکه اجازه بدهد رنج بکشیم دلایل متعدد خوبی دارد:

- رنج کشیدن ما، شیطان را ساکت می‌سازد (ایوب ۱ و ۲).
 - رنج کشیدن ما این فرصت را به خدا می‌دهد که جلال یابد (یوحنا ۱۱: ۴).
 - رنج کشیدن باعث می‌شود که بیشتر به مسیح شباهت یابیم (عبرانیان ۲: ۱۰؛ فیلیپیان ۳: ۱۰).
 - رنج کشیدن، ما را قدرشناس می‌سازد (رومان ۷: ۲۸).
 - رنج کشیدن به ما یاد می‌دهد که به خدا توکل نماییم (ایوب ۳: ۱۰؛ رومیان ۲: ۲۴-۲۵).
 - رنج کشیدن، داشتن صبر و تحمل را به ما یاد می‌دهد (رومان ۵: ۳-۴؛ یعقوب ۱: ۲-۴).
 - رنج کشیدن باعث می‌شود که بتوانیم با دیگران همدردی کنیم (دوم فرشتگان ۱: ۳-۴).
 - رنج کشیدن، ما را فروتن می‌سازد و فروتن نگاه می‌دارد (دوم فرشتگان ۱۲: ۷-۱۰).
 - رنج کشیدن باعث می‌شود یاداش بگیریم (دوم تیموتایوس ۲: ۱۲-۱۳؛ اول پطرس ۴: ۱۲-۱۳).
- دلایل متعدد دیگری هم برای رنج کشیدن می‌توان ارائه کرد. ممکن است ندانیم که کدامیک از این دلایل به وضعیت ما مربوط می‌شود، اما خدا می‌داند و همین هم باعث تسلی ماست.

حقیقت چهارم: خدا بر همه امور حاکم است

این چهارمین حقیقت اطمینان بخش کتاب مقدس برای ایمان‌داری است که رنج می‌کشند. این واقعیت که خدا بر همه امور حاکم است به این معنی نیست که او علت مستقیم هرگونه صدمه و بیماری است.



بیماری و صدمه گاهی وقتها از جانب شیطان است و معمولاً نتیجه قوانین طبیعی است که خدا بر جهان حاکم فرموده است. شیطان بود که دارایی، فرزندان و سلامتی ایوب را از او گرفت. زنی که ستون فقراتش بیمار بود و عیسی او را شفا داد «دختر ابراهیم و شیطان او را مدت هجده سال بسته بود» (لوقا ۱۳: ۱۶). شیطان در مسأله وهلاکت جسم «عضو تنبیه شده کلیسا (اول فرشتگان ۵: ۵) دخالت داشت و در مورد «خار در جسم» پولس در حکم «فرشته یا قاصد» بود (دوم فرشتگان ۱۲: ۷).

با این همه، رنج کشیدن در اکثر موارد نتیجه قرائندی طبیعی است. دانه‌الخمیر بودن باعث می‌شود که شخص دچار توهّم، مشکلات تکلمی و ضعف جسمانی گردد (اعمال ۲۳: ۲۹-۳۵). جوانی که وارده خانه یک فاحشه می‌شود مثل گاو می‌شود که به سلاخ‌خانه می‌رود (اعمال ۷: ۲۲). تاراحتی معده تیموتاؤس احتمالاً مربوط به آبی می‌شد که نوشیده بود (اول تیموتاؤس

۲۳:۵). بسیاری از بیماری‌ها بر اثر تلقیح واکسن، رژیم غذایی و عادات سالم از بین می‌روند. واضح است که نمی‌توانیم خدا را عامل اصلی بسیاری از رنج و مشقات بدانیم که بشر را به ستوه آورده‌اند.

عیسی به ما اطمینان بخشید که بدون اجازه خدا هیچ اتفاقی برای ما نمی‌افتد.

با وجود این نباید فکر کنیم که چون شیطان و عوامل طبیعی، عامل مستقیم بسیاری از رنج‌های بشر هستند، پس خدا دخالتی در امور ندارد. اگر خدا اجازه نمی‌داد، این شرور به وقوع نمی‌پیوست. خدایه شیطان اجازه داد که ایوب را دچار رنج و زحمت کند، اما محدودیت‌هایی هم تعیین فرموده (ایوب ۱ و ۲). حتی زمانی که تصادفات و بیماری بر اثر بی‌احتیاطی بشر یا عوامل طبیعی به وجود می‌آیند، باز هم وقوع آنها با اجازه خداست. عیسی به ما اطمینان بخشید که بدون اجازه خدا هیچ اتفاقی برای ما نمی‌افتد. او فرمود که حتی اتفاق ظاهراً بی‌اهمیتی مثل تلف شدن یک گنجشک نیز «چیز به حکم پدر» (متی ۱۰: ۲۹) نمی‌تواند روی دهد. پولس، حاکم بودن خدا بر همه امور را از طریق بیان می‌فرماید که اظهار می‌دارد ما که ایمان داریم و بیش معین گشتیم بر حسب قصد او که همه چیزها را موافق رأی اراده خود می‌کند» (افسیسیان ۱: ۱۱).

خدا بر همه چیز حاکم است. ممکن است اجازه بدهد که شیطان یا بیمار کردن‌تان، شما را آزمایش کند. ممکن است اجازه بدهد بر اثر تصادفی که در نتیجه بی‌احتیاطی رخ داده است و یا بر

اثر حمله وحشیانه شخصی شریر، درد زیادی تحمل کنید. این حوادث ناخوشایند باعث می‌شوند که حتی وسوسه شویم تا گناه کنیم، اما می‌توانیم این اطمینان را داشته باشیم که: هیچ تجربه (آزمایش) جز آنکه مناسب بشر باشد شما را فرو نگرفت، اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه، مغزری نیز می‌سازد تا بارای تحمل آن را داشته باشید (اول قرنتیان ۱۰: ۱۳).

خدای کاملاً حکیم و نیکویی که شما به او خدمت می‌کنید، بر همه امور حاکم است.

مهم نیست که آزمایش شما چه باشد یا چقدر درد و غم شما بزرگ است، به یاد داشته باشید که قبل از اینکه به شما برسد، اجازه پدر آسمانی شما را کسب کرده است. پدر آسمانی، شما را دوست دارد. ممکن است بطوری معجزه آسا شما را شفا بخشد. در غیر این صورت، در تمام مدتی که درد می‌کشید با شما خواهد بود و یک روز شما را به آسمان خواهد برد. مهم نیست که چکار می‌کنند، او آسایش نهایی شما را در نظر دارد. خدای کاملاً حکیم و نیکویی که شما به او خدمت می‌کنید بر همه امور حاکم است.

مریم (خروج ۲۰: ۱۵-۲۱؛ اعداد ۱۲: ۲۶؛ ۵۹: ۲۶)

- هویت - خواهر موسی و هارون.
- مشقت وی - جذام.
- منشأ مشقت وی - خدا.
- علت مشقت وی - تنبیه به خاطر تمرد.
- نتیجه مشقت وی - توبه، شفا و پاک شدن.
- درس - گاهی خدا از رنج کشیدن استفاده می‌کند تا فرزندان سرکش خود را متنبه سازد.

زن حزقیال (۲۴: ۱۵-۲۷)

- هویت - همسر نبی بزرگ.
- مشقت وی - بیماری و مرگ.
- منشأ مشقت وی - خدا.
- علت مشقت وی - تا از رفتارهای خدا با قوم اسرائیل تصویری را ترسیم کند.
- نتیجه مشقت وی - خدا جلال یافت (این موضوع صریحاً قید نشده است).
- درس - گاهی خدا از رنج کشیدن و حتی مرگ استفاده می‌کند تا به اهداف خود تحقق بخشد.

مسیبوست (دوم سموئیل ۴: ۴ و ۹)

- هویت - پسر کوچک شاول پادشاه.
- مشقت وی - بر اثر افتادن، فلج شده بود.
- منشأ مشقت وی - ذکر نشده است.
- علت مشقت وی - ذکر نشده است.
- نتیجه مشقت وی - در تمام طول زندگی خود دچار این مصیبت بود و هرگز درمان نشد.

اشخاص بیمار و رنج کشیده در کتاب مقدس

کتاب مقدس شامل داستانهای زیادی درباره بیماری شدید، رنج و عذاب سخت، غم و اندوه زیاد و مرگ ناهنگام است که اینها یا از طرف خدا دانسته شده و یا از طرف شیطان. در بعضی موارد هم منشأ آنها ذکر نشده است. گاهی وقتها شفا از طریق معجزه عطا شده و در موارد دیگر از طریق درمان طبیعی حاصل گردیده است. و در بعضی موارد هم در این دنیا شفا عطا نشده و شخص جان سپرده است. بعضی وقتها علت ذکر می‌شود، بعضی وقتها هم به آن اشاره می‌گردد و در برخی موارد نیز به هیچ وجه علت رنج کشیدن ذکر نمی‌شود.

ایوب (ایوب ۹-۴۲)

- هویت - مردی دیندار و ثروتمند که در حدود چهار هزار سال قبل زندگی می‌کرد (۱: ۱-۵).
- مشقات وی - از بین رفتن دارایی، مرگ فرزندان، بیماری پوستی درهناک (۱: ۱۹-۲؛ ۲: ۱-۱۰).
- منشأ مشقات وی - شیطان که با اجازه خدا این مشقات را ایجاد کرد (۱: ۱۲؛ ۲: ۶).
- علت مشقات وی - آزمایش و پاک شدن (۱: ۶-۱۲؛ ۲: ۱-۱۰؛ ۳: ۱-۱۰؛ ۴: ۱-۱۰).
- نتیجه مشقات وی - شناختی وسیعتر از خدا و شناخت خود (۱: ۲۲-۳؛ ۲: ۱-۶).
- درس - ممکن است خدا و شیطان هر دو در فرستادن مشقات ما دخالت داشته باشند (ایوب ۱: ۱۲؛ ۲: ۶).

- درس - خدا همیشه همت رنج کشیدن ما را به ما نمی‌گوید.
- پولس (دوم قرن قریان ۱۱۲-۱۱۰) هویت - رسول بزرگ آنها.
- مشقت وی - خاری در جسم (توئی بیماری جسمانی ناشناخته).
- منشأ مشقت وی - داده شده از جانب خدا (این امر تصریح نشده است) و «قاصدی» از جانب شیطان.
- علت مشقت وی - مانع شدن از اینکه پولس به علت داشتن تجربیات روحانی بی‌تغیر، خوشتای کند.
- نتیجه مشقت وی - پولس اگرچه دعا کرده تا از این خار در جسم نجات یابد اما به دعاهاش پاسخ داده نشد ولی در عوض این امر برای او باعث برکت گردید. زیرا توکل او را به خدا بیشتر ساخت.
- درس - خدا همیشه در این دنیا حتی به وقتشده‌ترین فرزندانش هم شفا عطا نمی‌کند.

۲۸

می‌بایست به مهریانی، سخاوتمندی و گشاده‌دستی مرده‌ی چشم می‌روختند که برای خدمت به آنان فرستاده شده بودند ... این رسولان نمی‌توانستند در آسایش و تجمّل باشند. اتاق‌هایی در هتل‌های گرانقیمت کرایه نکرده بودند. باید با سختی و انکار نفس زندگی می‌کردند. باید در فقر زندگی می‌کردند تا واقعاً پیروان کسی باشند که «جایی برای گذاشتن سر خود» نداشت؛ یعنی همان کسی که در طویله متولد شد. زندگی‌اش به سخاوتمندی دوستی‌های بستگی داشت. بر کوزه‌ی الاغی سوار شد که قرض کرده بودند و بر صلیب گناهکاران جان سپرد. بنابراین اگر مأموریت مذکور در آیه ۸ یعنی «بیماران را شفا دهید»، امروز نیز مأموریت هست، در این صورت باید همه‌ی مستورات دیگری را که خداوندنمان در این خصوص به شاگردانش داد، اجرا کنیم. مرتباً با استناد به این آیه، دلیل می‌آورند که امروزه هم باید همین معجزات صورت پذیرد اما اگر بخواهیم این استدلال را قبول کنیم آنوقت ضرورتاً باید شرایطی را هم که فوقاً ذکر کرده‌ایم بپذیریم.

آیا کفاراً مصیوح برای گناهان، باعث شفا هم می‌گردد؟

«نیاید مرضی بشنید. مسیح هم برای گناهان ما مرده و هم برای مرضهای ما. از طریق ایمان می‌توانیم از بیماری آزاد شویم، همان طوری که از طریق ایمان از مجازات گناهان خود آزاد می‌شویم. این همان حقیقتی است که متی ۱۶:۸-۱۷ به ما می‌گوید.» مرده‌ی که ایماندار خوبی بود و به علت ابتلا به سرطان، چندان فاصله‌ای با مرگ نداشت، مطالب فوق را از یک واعظ رادویی شنیده بود. این امر فکر او را ناراحت کرده و

۳۰

سوالاتی درباره شفا

در این قسمت قصد داریم به برخی سوالات رایج درباره شفا که به استاد بعضی از کلمات کتاب مقدس مطرح می‌شود، پاسخ گوئیم.

آیا ما برای شفاهادن قدرت داریم؟ من در یکی از مقالات خود در کتابچه «نان روزانه» (Daily Bread) این مطلب را ذکر کردم که اگر چه ما نمی‌توانیم مردگان را زنده کنیم، اما می‌توانیم عملاً به افراد اندوهگین کمک کنیم. جای تعجب است که عده زیادی به من نامه نوشتند و مرا متهم کردند که به متی ۱۰:۷-۸ ایمان ندارم؛ و چون می‌روید، موعظه کرده بگوئید که ملکوت آسمان نزدیک است. بیماران را شفا دهید، ابرصان را ظاهر سازید، مردگان را زنده کنید، دیوها را بیرون نمایید، مفت یافتم، وقت بدهید.»

پله، خداوند به شاگردانش قدرت بخشید که شفا دهند و در مواردی حتی مردگان را زنده کنند (البته این قسمت در برخی از نسخه‌های خطی اولیه دیده نمی‌شود). اما این اشتباه است که فکر کنیم باید این سخنان را شعار خود بسازیم و یا به استناد آنها خود را دارای قدرت برای شفا دادن بیماران و زنده کردن مردگان بدانیم. این سخنان در آن زمان خطاب به گروه کوچک مردانی گفته شد که پیش از طلعتا، «انجیل ملکوت» را فقط به یهودیان موعظه می‌کردند. «دکتر دو هان» پس از اشاره به این قسمت با سبک منحصر به فرد خود می‌نویسد:

شاگردان نباید برای خدمت خود پول می‌گرفتند. نباید توشعای برای خود برمی‌داشتند بلکه برای گذران زندگی

۲۹

همین باعث گردیده بود که احساس گناه کند، زیرا فکر می‌کرد از کم‌ایمانی است که هنوز بیمار است. به او اطمینان دادم که از نظر روحانی سقوط نکرده است. او و عزیزانش دعا کرده بودند و دعا و ایمان آنها ضعیف نبود. ظاهراً در اراده خدا نبوده که او شفا یابد. با شنیدن این مطالب، این مرد توانست با مرگی که بزودی به سراغش می‌آمد، با ایمان و شجاعت روبرو شود.

اجازه بفرمایید متی ۱۶:۸-۱۷ را بررسی کنیم تا ببینیم درباره ارتباط کفار و شفا دقیقاً چه می‌گوید. می‌خوانیم:

اما چون شام شد بسیاری از دیوانگان را به نزد او آوردند و محض سخنی، ارواح را بیرون کرد و همه مرضیان را شفا بخشید تا سخنی که بر زبان اشعیا نبی گفته شده بود تمام گردد که، "او ضعف‌های ما را گرفت و مرضهای ما را برداشت."

قسمت آخر این آیه، نقل قول دلفی است از متن عبری اشعیا ۴:۵۳. عیسی به این ترتیب ضعف‌های ما را «گرفت» که با حس همدردی و با قلبی آکنده از رحم و شفقت، خود را شریک غمها و دردهای بشر کرد. معجزاتی که او برای شفا دادن انجام داد، نشان می‌دهد زیرا رحم و شفقت او را نسبت به ما نشان می‌دهند و مستقیماً به مرگ او اشاره می‌کنند که از طریق آن، جریمه گناهان ما را پرداخت می‌کرد، تا در نهایت، همه دره و رنج از بین برود. معجزاتی که او برای شفاهادن انجام می‌دهد نشانه‌ای از شفا کاملی بود که نهایتاً تمام کسانی که به او توکل دارند، از آن برخوردار خواهند شد.

در این آیات حتی کوچکترین اشاره‌ای به این موضوع نشده است که می‌توانیم از طریق کفاراً مسیح شفا یابیم.

۳۱

«دی. ای. کارسون» (D. A. Carson) با هوشیاری به این موضوع اشاره می‌کند که «صلیب اساسی برکتی است که به ایمانداران تعلق دارند. اما این به این معنی نیست که از تمام این برکات هر وقت بخواهیم می‌توانیم استفاده کنیم؛ درست همان طور که فعلاً حق و قدرت برخوردار از بدن قیام کرده را نداریم» (تفسیر تشریحی کتاب مقدس، جلد ۸، انتشارات ژاندروان، ص. ۲۶۸).

معجزاتی که عیسی برای شفا دادن انجام می‌داد. نشان‌هایی بود از شفای کاملی که برای تمام کسانی که به او توکل دارند از آن برخوردار خواهند شد.

آیا می‌توان برای شفای بیماران در جلسات کلیسایی، آنها را تذهیب کرده در برخی از جلسات ویژه کلیسایی از بیماران و درمندان دعوت می‌شود که جلو بیایند و برای شفا یافتن با روغن تذهیب شوند و برای آنها دعا شود. این عمل بر اساس یعقوب ۱۳:۵ انجام می‌شود. اما طبق فرمایش یعقوب، بیمار باید از کشیشان خواهش کند که آنها به نزد او بیایند. این امر شاید به این علت باشد که شخص بقدری بیمار است که خودش نمی‌تواند به نزه آنها برود. ترکیب کلمه یونانی «آستیا» (asthenia) یا بیمار در آیه ۱۴ و «کلمنو» (kummo) یا مریض در آیه ۱۵ بر اساس تفسیر برخی از پژوهشگران کتاب مقدس به معنی کسی است که بستری است و احتمالاً آمیدی

به شفای او نیست. بدیهی است که این فرد در ملاء عام و جلسه عمومی تذهیب نمی‌شود و برای تذهیب شدن از مسیر دعوت نمی‌شود!

کشیشان باید برای این فرد بیمار دعا کنند و او را با روغن تذهیب نمایند. این تذهیب با روغن فقط یک رسم بود و اساس پزشکی نداشت. روغن نمی‌توانست شخصی را که بیماری شدیدی داشت و منجر به مرگ می‌شد شفا بدهد. بعلاوه یعقوب می‌فرماید که این «دعای ایمان» است که بیمار را از مرگ بدنی نجات می‌دهد نه روغن.

این دعای ایمان چیست؟ قطعاً به معنی یک حالت ذهنی که شخص بر اثر راه انداختن داد و فریاد زیاد به دست می‌آورد نیست، زیرا این بر خلاف حقیقتی است که عیسی درباره دعا در متی ۶:۶-۱۵:۱۵ تعلیم می‌دهد. «دعای ایمان» دعایی است که با هدایت روح القدس صورت می‌گیرد و نسبت به اراده خدا حساس است و تسلیم اراده الهی می‌باشد.

یعقوب ۱۳:۵-۱۶:۶ خطاب به مقدسینی می‌باشد که در دوران اولیه کلیسا زندگی می‌کردند. برخی از پژوهشگران کتاب مقدس عقیده دارند که این امر فقط در مورد کسانی صادق بوده که در دوره رسولان زندگی می‌کردند. اینان می‌گویند که یعقوب زمانی رساله خود را نوشت که رسولان دارای عطای شفا و تمییز (اول قرنتیان ۱۲:۱-۱۱) هنوز در قید حیات بودند. آنها همچنین نظر ما را به این نکته جلب می‌سازند که با توجه به این متن، همیشه می‌توان منتظر شفا بود.

با این حال بسیاری دیگر از پژوهشگران کتاب مقدس این تفسیر را قبول ندارند. اینها هیچ دلیل محکمی نمی‌یابند که نشان

می‌شود. رسولان، پُر از قدرت روح القدس، نهضتی به راه انداختند که دنیای آن روزگار را کاملاً زیر و رو کرد (اعمال ۱۷:۶). میلیونها نفر که بیشتر آنها جزو آنها بودند، پیام انجیل را پذیرفتند و زندگی آنها عوض شد. و تمام این وقایع فقط در عرض سی سال به وقوع پیوست؛ به این ترتیب وعده‌های خداوندان به رسولانش تحقق یافت.

به یاد داشته باشید که خداوندان این سخنان را خطاب به همان جمع فرمود و وعده‌هایی را که به شاگردان خود داده بود تحقق بخشید. ما حق نداریم با اتکا به این وعده‌های که به شاگردان داده شده مدعی شویم که ما هم باید معجزه کنیم. حتی در زمان رسولان هم عطای ماوراءالطبیعی معجزات و شفا را خدا هر وقت صلاح می‌دید، مقتدرانه عطا می‌فرمود. او به هر کس هر عطایی نمی‌دهد (اول قرنتیان ۱۲:۱-۱۱). پولس بعد از ذکر عطایا می‌نویسد: «لیکن در جمیع اینها همان یک روح فاعل است که هر کس را فروداً به حسب اراده خود تقسیم می‌کند» (اول قرنتیان ۱۲:۱۱). بله، خدا می‌تواند تصمیم بگیرد که به ما قدرت بدهد تا مثل عیسی و رسولانش معجزه کنیم. او قادر مطلق است. اما به ما وعده نفرموده که قدرت معجزه کردن را به ما ببخشد. نه در یوحنا ۱۲:۱۲ و نه در هیچ جای دیگر کتاب مقدس چنین وعده‌ای وجود ندارد.

**خدا می‌تواند تصمیم بگیرد که به ما قدرت بدهد
مثلاً عیسی و رسولانش معجزه کنیم،
اما به ما وعده نفرموده است
که قدرت معجزه کردن را به ما ببخشد.**

بدهد این تعلیم به دوره رسولان محدود می‌شود. به همین دلیل می‌گویند که باید به خواسته کسانی که مریض هستند و می‌خواهند تذهیب شوند و برای آنها دعا شود، احترام بگذاریم. آنها همچنین می‌گویند که اعتراف به گناه، به نظر می‌رسد در این خدمت که در آن تذهیب و دعا انجام می‌گیرد، نقش مهمی داشته باشد.

در واقع پژوهشگران کتاب مقدس در مورد ارزش این عمل در کلیساهای امروز، نظریات متفاوتی دارند. با این حال یک چیز قطعی است و آن هم این است که شخصی که متصف باشد نمی‌تواند از این موضوع به عنوان دلیلی برای توجیه تذهیب بیماران در جلسات عمومی استفاده کند.

پس وعده مذکور در یوحنا ۱۲:۱۴ چه می‌شود؟ عیسی به شاگردانش فرمود: «آمین، آمین، به شما می‌گویم هر که به من ایمان آرد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم» (یوحنا ۱۴:۱۲). اولین سؤالی که از خود باید بپرسیم این است که «عیسی با چه کسانی صحبت می‌کرد؟ پاسخ روشن است، با شاگردانش. آیا وعده‌های او تحقق یافت؟ بله، تحقق یافت زیرا معجزات شاگردان که تعدادی از آنها در کتاب اعمال رسولان ذکر گردیده، مشابه معجزات مسیح بوده است. پس مقصود از «کارهای بزرگتر» چیست؟ قطعاً مقصود کارهایی از نوع معجزات مذکور نبود. چگونه می‌توان کاری بزرگتر از این انجام داد که پنج هزار نفر را با نهار یک پسر بچه سیر کرد و توفان را با فرمان دادن به آن فرو نشاند و یا مرده‌گان را زنده کرده؟ شکی نیست که «کارهای بزرگتر» به پیروزی‌های روحانی پیام انجیل مربوط

آیا امروزه عطای شفا داده می‌شود؟ برخی از رهبران مسیحی معتقدند که عطای شفا مذکور در اول قسرتیان باب دوازدهم را دارند. بعلاوه افراد عاقل، درستکار و محترم زیادی حرف آنها را تأیید می‌کنند. آنها شهادت می‌دهند که در جلسات شفا، خودشان این موضوع را تجربه کرده‌اند یا شاهد بوده‌اند که وقتی این افراد دستمال خود را روی مریضان گذاشته‌اند آنها واقعاً شفا یافته‌اند. اینها از کسانی که حرفشان را قبول نمی‌کنند می‌خواهند آیدای از عهد جدید نقل کنند که صریحاً اعلام نموده باشد عطای شفا به دوران رسولان محدود می‌شود.

درست است که نویسندگان عهد جدید هیچ‌جا صراحتاً نگفته‌اند که عطای شفا متوقف شده است. با وجود این، عبرانیان ۱:۲-۴ روشن می‌سازد که عطای شفا نشانه‌ای معجزه‌آسا، آنطور که قبلاً در دوره رسولان وجود داشت، در حدود سال ۶۸ میلادی (زمان تقریبی نگارش رساله به عبرانیان) دیگر وجود نداشته‌اند. نویسنده رساله به عبرانیان اظهار می‌دارد که پیام نجات تأیید شد و «خدا با آیات و عجایب و انواع معجزات و عطایای روح القدس طبق اراده خود گواهی آنان را تصدیق فرمود» (عبرانیان ۲:۲-۴ ترجمه جدید). نویسنده رساله به عبرانیان از فعل ماضی استفاده می‌کند. بعلاوه «آیات و عجایب» و «عطایای روح القدس» را در کنار هم ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد که در آن زمان، عطایای نشانهای و ماوراءالطبیعی دیگر مثل گذشته وجود نداشت.

مطلب مهم دیگر این است که در زبان یونانی عطایای نشانهای ماوراءالطبیعی طوری نوشته شده‌اند که هم کلمه عطا و هم کلمه مشخص کننده نوع عطا جمع بسته شده‌اند. مثلاً نوشته

۳۶

ماوراءالطبیعی داشته باشد. به علاوه شفاهایی که امروزه بر اثر دعا انجام می‌گیرند، این را تأیید نمی‌کند که شخص «عطایای شفاه» را به کار می‌برد. خدا می‌تواند هر وقت که بخواهد در پاسخ به دعا شفا عطا کند.*

* البته اظهار نظر نویسنده محترم در مورد توقف کامل عطایا، اگر بر اساس همین استدلال قرار گرفته باشد چندان محکم و منطقی به نظر نمی‌رسد. مثلاً اگر گفته شود که ۵۰ سال قبل به کمک قوانین نیوتون در مورد جاذبه، فلان فرمول ثابت گردید، این امر دلیل بر این نیست که امروز قوانین جاذبه دیگر وجود ندارند. سخن نویسنده را می‌توان به این شکل تعدیل کرد که شاید در دوره‌های متأخر حیات کلیسا، وجود برخی عطایا از ضرورت اولیه خود برخوردار نبوده است. به هر حال به نظر می‌رسد که نویسنده در اظهار نظر خود در این مورد، نیم نگاهی هم به الهیات دوران‌گرا یا *dispensational* داشته است. مطابق عقیده دوران‌گرایان، خدا در ادوار مختلف تاریخ به طرز متفاوت عمل کرده است و بنابراین، این روزها عمل الهی به گونه‌ای است که دیگر نیازی به وجود و عمل عطایای موجود در دوران اولیه حیات کلیسا نیست. بدیهی است که اگر نظر نویسنده محترم و این جهت‌گیری الهیاتی نظر رسمی کلیسای انجیلی ایران بود از درج این پانویس صرف نظر می‌شد. و یاز بدیهی است که اگر سایر مطالب کتاب، مانند این مطلب جای توضیح داشت اینکار را می‌کردیم. - مؤلف

۳۸

شده است «عطایای شفاه»، «عطایای زبانه‌ها» و «قوات معجزات». احتمالاً این امر به این معنی است که عطایای فوق در یک شخص باقی نمی‌ماند و این حالت، عکس عطایایی است که برای خدمت به رسول، نبی، مبشر و شبان و معلم داده شده بود (انسیسیان ۱:۴). ظاهراً این عطایا به منظور خاصی به شخص داده می‌شد و روح القدس بر طبق اراده خود، آن را پس می‌گرفت یا تجدید می‌کرد. شاید به همین علت بود که در یک جا می‌خوانیم پولس عده زیادی را شفا بخشید (اعمال ۱۱:۱۹-۱۲) اما بعد نتوانست آپرودیتس (قبیلیان ۲۵:۲-۳)، تروقیوس (دوم تیموتاؤس ۲:۴) یا تیموتاؤس (اول تیموتاؤس ۲۳:۵) را شفا بدهد.

شفاهایی که امروزه بر اثر دعا انجام می‌گیرد این را تأیید نمی‌کند که شخص، عطایای شفاه را به کار می‌برد. خدا می‌تواند هر وقت که بخواهد در پاسخ به دعا، شفا بدهد.

از آنجا که حتی رسولان هم بطور دائم از عطای شفا برخوردار نبودند، دلیل خوبی داریم که ادعا کنیم هیچکس امروز این عطا را ندارد. به همین ترتیب نباید شفاهای معجزه‌آسایی را که در طی دوره‌های مختلف تاریخ کلیسا پس از دوره رسولان روی داده است مدرکی بدانیم که نشان می‌دهد هنوز هم آیات و عجایب و عطایای شفاه ادامه می‌یابند. یک شفا الهی هیچ لزومی ندارد که جزو آیات و عجایب باشد، حتی اگر کاملاً هم جنبه

۳۷

پس دربارهٔ خیرهای حیرت انگیزی که این روزها دربارهٔ شفا می‌شنویم چه باید گفته؟ هر جا برود با افرادی روبرو خواهید شد که می‌گویند از طریق دعا یا خدمت یک شفاگر، شفا یافته‌اند. بی‌ایمانان و حتی بسیاری از ایمانداران به این خیرها اعتنایی نمی‌کنند یا به هیچ وجه این اخبار را باور نمی‌کنند. با این همه، این اواخر بسیاری از افراد غیرمذهبی موضوع این پدیده‌های غیرقابل توضیح را پس آنکه آنها را معجزات الهی بدانند، جدی می‌گیرند. آنها با زیرکی به این موضوع اشاره می‌کنند که این خود به خود بهبود یافتن و شفاهای آشکار نه فقط در بین مسیحیان که در بین غیرمسیحیان هم روی می‌دهد. این افراد، پاسخ را در راز ارتباط ذهن و ماده و قدرت غیرقابل توضیح تلقین می‌دانند. اینها حتی به خود زحمت نمی‌دهند که برای تکذیب شهادت کسانی تلاش کنند که دربارهٔ شفا حیرت انگیز خود شهادت می‌دهند و توسط افراد شیادی که روش‌های آنها اساس علمی ندارد، درمان شده‌اند.

طرز برخورد ما مسیحیان با این موضوع فرق می‌کند. ما به خدا و قدرت او برای شفا ایمان داریم. بسیاری از ما تجربیات شخصی در مورد شفاهای حیرت انگیزی داریم که در پاسخ به دعا عطا شده‌اند. به همین دلیل ما این واقعیت را که خدا می‌تواند شفا بدهد و شفا هم می‌بخشد زیر سؤال نمی‌بریم. با این حال نباید بپذیریم که همهٔ حوادث غیر قابل توضیح بشری، معجزه خدا نیستند. زیرا چنین اتفاقاتی حتی در میان شیطان پرستان هم روی می‌دهد! بنابراین اشتباه یک رهبر روحانی را نباید از روی تعالیش تعیین کنیم، نه از طریق تحلیل معجزاتی که به او نسبت می‌دهند.

۳۹

خار در جسم پولس چه بود؟ در دوم قرن بیان ۱:۱۲-۱۰
 پولس درباره «خار در جسم» خود سخن می‌گوید. می‌گوید این خار در جسم به او داده شده تا مانع از این شود که به دلیل مکانیفات حیرت‌انگیز خود دچار تکبر گردد. همچنین پولس می‌گوید که این خار در جسم «قرشته‌ای از جلاب شیطان برای لطمه زدن به او» است. شکی نیست که هدیه این خار در جسم خدا بود. خدا و نه شیطان مایل بود پولس را فروتن نگاه دارد. اما شیطان می‌توانست از این خار استفاده کند تا پولس را به تنگ آورد.

نمی‌دانیم این «خار» چه بود. حدس و گمانهایی در این مورد وجود دارد. بعضی می‌گویند منظور از آن، چشمهای بیمار پولس یا صرع و یا مالاریا بوده است. عده دیگر که معتقدند مسیحیان مطیع از بیماری آزاد هستند، گفته‌اند که این خار در جسم، روحی ناپاک بوده که در درونش سکونت داشته و یا دشمنانی کینه‌توز بوده‌اند. با این حال، این دو جواب آخر به هیچ وجه با این سخنان پولس هماهنگی ندارد: ویس به شادی بسیار از ضعف‌های خود بیشتر فخر خواهیم نمود تا قوت مسیح در من ساکن شده (آیه ۹). یک روح ناپاک با خصوصیات فوق یا دشمنان کینه‌توز «ضعف» نیستند. شکی نیست که «خار» نوعی بیماری بدنی بوده است و خدا به این منظور، خار فوق را به پولس داده بود تا او را از نظر روحانی سالم نگاه دارد. خدا حتی با اینکه پولس یا اشتیاق برای برطرف شدن آن دعا کرده این خار را از او نگرفت. بلکه چنان فیضی حیرت‌انگیز و قدرتی به پولس بخشید که پولس این ناراحتی را یک برکت دانست.

چقدر ایمان احتیاج داریم؟ بسیاری این نظر را دارند که

اگر ما مطابق شرط خدا عمل کنیم و به قدر کافی ایمان داشته باشیم همیشه شفا خواهیم یافت. به همین دلیل وقتی دعا می‌کنند، یا شجاعت شفا کامل را «می‌طلبند و اعلام می‌نمایند» و حتی به شخصی که هنوز آثار بیماری در او وجود دارد اعلام می‌کنند که شفا یافته است.

«دکتر پل براند» (Dr. Paul Brand) در شماره مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۲ مجله مسیحیت در دنیای امروز (Christianity Today) داستانی غم‌انگیز درباره خانواده‌ای تعریف می‌کند که دارای چنین طرز فکری بود. این خانواده هنگامی که در پسر ۱۵ ماهه خود آثاری شبیه بیماری آنفلوآنزا مشاهده کردند، به تصیحت رهبران کلیسای خود عمل کرده و برای شفای او فقط دعا کردند. حال پسر آنها در طی هفته‌های بعدی رو به وخامت نهاد و به تدریج حس شنوایی و بینایی خود را از دست داد و سرانجام مُرد و علیرغم دعاهای پُرجرارتی که در آنها می‌خواستند خدا زندگی را به او بازگرداند، حیات به او بازگردانیده نشد. کابرد شکافی نشان داد که علت مرگ نوعی منتزیت بوده است که می‌شد آن را به سهولت درمان کرد.

قدرت ایمان ما چه چیز است که شفا داده خواهد شد یا خیر.

باید گفت این افراد، ایمان عظیمی داشتند اما هر قدر هم که ایمان ما قوی باشد دلیل نمی‌شود که باعث شفا گردد. برخی از معجزات خداوند ما عیسی مسیح به هیچ وجه به ایمان کسانی که از برکت این معجزات برخوردار شدند ربطی نداشت (متی

آیا خدا می‌خواهد که ما سلامت باشیم؟

اکنون حاضریم که به این سؤال پاسخ دهیم. بله خدا می‌خواهد که شما سلامت باشید، درست همان طور که «می‌خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند» (اول تیموتاؤس ۲:۳). اما همه، هدیه نجات را قبول نمی‌کنند. خدا می‌خواهد ببیند که فرزندان شما هستند، اما بسیاری از فرزندان او از قواعد مربوط به سلامت پیروی نمی‌کنند. عده‌ای به راه‌های گناه‌آلود کشیده می‌شوند و لازم است تنبیه گردند (عبرانیان ۱۷:۱۶). همه ما بر اثر برخی آزمایشها و دردها، از نظر روحانی برکت می‌یابیم. هم پولس و هم یعقوب، ایمانداران را تشویق کرده‌اند که وقتی توسط رنج کشیدن آزموده می‌شوند خوشحال باشند (رومان ۵:۳-۵؛ یعقوب ۱:۶-۲). تعالیم آنها ما را مطمئن می‌سازند که رنج کشیدن عاملی است که وجود آن در فرایند رشد روحانی ضروری است. خدا می‌خواهد که ما سلامت باشیم، اما برای ما خوب نخواهد بود اگر در تمام زندگی خود هرگز دره نکشیم.

کلام خدا شامل حکایاتی از اطمینان بخش است و روشی برای زندگی اراده می‌دهد که با صفت سلامت جسمی و روحی ما می‌گردد.

با وجود این، منظور ما این نیست که باید نسبت به سلامت جسمانی یا لذت بردن، دید منفی داشته باشیم و به این نظر تن در دهیم که باید در انتظار رنج و زحمات زیادی بود. بر عکس،

۱۳-۹:۱۲؛ مرقس ۱:۲۳-۲۸؛ لوقا ۱۱:۱۵-۱۳؛ ۱۰:۱۳-۱۰ و ۶-۱:۱۴ و ۵۰:۲۲-۵۱-۵۰. یوحنا ۱۹-۲۸. علاوه بر این می‌توانیم ادعا کنیم که پولس به این دلیل از خار در جسم خود شفا نیافت که به قدر کافی ایمان نداشت؟ یا کم ایمانی تیموتاؤس بود که باعث شد ناراحتی معده داشته باشد (اول تیموتاؤس ۳:۵)؟

باید با دید مثبت به زندگی نگاه کنیم. کلام خدا حقایق اطمینان بخش و روشی برای زندگی ارائه می دهد که باعث سلامت جسمی و روحانی ما می گردد. کلام خدا این کار را از نه طریق زیر انجام می دهد:

۱ - ما را از یسار سنگین احساس گناه آزاد می سازد (مزمور ۱: ۳۷-۲؛ رومیان ۱: ۵).

۲ - قدرت می بخشد تا از احساس تلخی که بر اثر تبخشدن دیگسوان وجود ما را پُر ساخته است، آزاد شویم (متی ۱۲: ۶ و ۱۲-۱۴؛ افسسیان ۳: ۲۲).

۳ - به ما هدیه میثی در مورد بدتمان می بخشد و به ما اطمینان می دهد که روح القدس در آن ساکن است (اول قرنتیان ۱۹: ۶) و بدن ما باید قیام کند (اول قرنتیان ۱۵).

۴ - تعلیم می دهد که روابط جنسی در چارچوب زندگی زناشویی، هم سالم و هم رضایت بخش است (اول قرنتیان ۵-۱۲ و عبرتین ۱۳: ۴).

۵ - به ایمانداران مجزّه فیض می بخشد تا زندگی شاه و رضایت بخشی داشته باشند (اول قرنتیان ۷: ۵ و ۸ و ۳۲ و ۳۹-۴۰).

۶ - در کلام خدا امید به چشم می خورد، یعنی نگاهی آکنده از اطمینان به آینده (رومیان ۸: ۳۹-۳۹).

۷ - به ما اطمینان می بخشد که عضو جامعه برگزیده ای هستیم، یعنی بدن مسیح که در آن هر شخص نقش خاصی را برای اینکه همه برکت یابند، ایفا می کند (رومیان ۳: ۱۲-۸؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱-۳۱).

۸ - کلام خدا باعث می شود که رابطه ای بی نظیر با خدا داشته باشیم و او پدر ما باشد و بتوانیم در زمان بیماری با قلبی پُر از امید به حضور او برویم و از او بخواهیم که ما را شفا بخشد (متی ۷: ۷-۱۱؛ رومیان ۸: ۱۵)؛ یعقوب ۱۲۵-۱۵).

۹ - ما را قادر می سازد که حتی زمانی هم که درد می کشیم و رنج می بریم، خوشحال باشیم (اعمال ۱۵: ۴۱؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۶-۱۸).

خدا می خواهد که شما سلامت باشید. او فقط وقتی اجازه می دهد بیماری و درد به سراغ شما بیاید که واقعاً بتواند از آنها به نفع شما استفاده کند. و در این صورت هم باز به شما اطمینان خواهد بخشید که تا ابد سلامت خواهید بود. ایمان داشتن به این حقیقت، به سلامت شما کمک خواهد کرد.

بیماری، شفا و شما

جوانان به ندرت با غم و درد مواجه می شوند. پدر بزرگ و مادر بزرگ برخی از آنها هنوز در قید حیات هستند و حتی موقعی که مریض می شوند یا می میرند، آنها با خود می گویند که هنوز خیلی مانده که یکی از اعضای خانواده به سرنوشته آنها دچار شود. اما حقیقت این است که دیر یا زود هر کس باید با غم و درد و مرگ روبرو شود. به همین دلیل باید از خود بیرسیم که اگر روزی پزشک به ما بگوید: «ما هر چه در توان داشتیم انجام دادیم»، یا بگوید: «امیدوارم تحقل این خبر بد را داشته باشید، شما سرطان دارید»، چگونه باید با این مسأله برخورد کنیم؟ اگر به عیسی مسیح ایمان داشته باشید می توانید با امید و آرامش با چنین اخباری روبرو شوید. اگر طرز زندگی شما طوری است که از خدا اطاعت نمی کنید، می توانید از گناه خود روگردان شوید و به سوی خدا بازگردید. می توانید از خدا بخواهید که شما را شفا دهد. می توانید به این موضوع صد در صد ایمان داشته باشید که اگر شفای شما باعث جلال خدا و آسایش ابدی شما باشد، خدا شما را شفا خواهد داد و با همین اطمینان هم دعا کنید. اگر خدا شما را شفا ندهد، فیض حیرت انگیز خود را به شما خواهد بخشید و از درد و رنج به خیرت شما استفاده خواهد فرمود. اگر تا به حال به عیسی مسیح ایمان نیآورده اید، امروز این کار را انجام دهید. به گناهکار بودن خود و به اینکه نمی توانید نجات را با تلاشهای خود کسب کنید، اعتراف نمایید. به این حقیقت ایمان بیایید که عیسی بر روی صلیب برای گناهکاران جان داد و از مرگ برخاست. سپس به او اعتماد و توکل کنید. با ایمان بپذیرید که او این کار را برای شما انجام داد. عیسی مسیح شما را خواهد بخشید و عضوی از خانواده اش خواهد ساخت و به شما حیات ابدی عطا خواهد کرد. او همیشه در همه حال و تا به ابد از شما مواظبت خواهد فرمود.